



چکیده:

هموست که نوشتن را با قلم به بندگان خویش بیاموخت و از پس آن، بی خردان را مرده و از چهارپایان گمراهتر نامید.

کلیدواژه‌ها: قلم - محمد (ص) - علی (ع) - ملاصدرا - عین القضات - سهروردی - حلاج

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» و پروردگاران بر قلم و بر آنچه می‌نگارند سوگند یاد می‌کند. «و لیس احد من العرب قرأ كتاباً، فان الله سبحانه بعث محمداً صلى الله عليه و آله». (نهج البلاغه خطبه ۱۰۴) و از عرب کسی کتابی نمی‌خواند که پروردگار جهانیان بنده‌ی چون مصطفی صلی الله علیه و آله را برانگیخت و اولین آیه خویش را اینچنین بر وی فرو فرستاد: اقرأ، بخوان! «اقرأ باسم ربك الذي خلق» و فرمان او چه شگفتی‌ها در نهان داشت و هنوز و از این پس نیز! ای بندگان من آنچه از حقیقت بر جریده عالم ثبت است بخوانید و بخوانید تا بدانید و بدانید! «الذي علم بالقلم» هموست که نوشتن را با قلم به بندگان خویش بیاموخت و از پس آن، بی خردان را مرده و از چهارپایان گمراهتر نامید.

و اما اینک در زمانه‌ی بی‌سرمی‌بریم که حاکمان جبار و جهان‌خواران قهار و دنیا پرستان مکار حق را بر خواهش‌های نفسانی خویش معطوف و منکوبش ساخته‌اند و قلم را به گمان خاموش کردن شراره حقیقت، به زنجیر کشیده‌اند، و کتاب را در لجن زار بدعت‌ها مدفونش نموده‌اند، و پروایی از غرقه ساختن خرد در دریای طوفانی و موج نادانی‌ها و خرافه پرستی‌های عوامانه ندارند! و شگفتا که به قول حکیم الهی، صدرای شیرازی؛

«گمراهانی را عالم نامیده‌اند که ترهاتی چند از جاهلان پیش از خود اقتباس کرده و دام‌های فریب را بر راه مردم گسترانیده‌اند، و خونشان را به شیشه کرده‌اند، هم ایشان کوردلانی هستند که خدا آنان را اینگونه به تصویر می‌کشد: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه ۵) مثل آن کسان که تورات بر دوششان نهاده شد، سپس آن را بر دوش نکشیدند، به مانند استری است که کتابهایی بر پشت کشد، چه بد مثلی است قومی را که آیات خدا را دروغ انگاشتند و خدا رهنمون نشود مردمان ستمگر را.»

آنان هرگز به پیشینیانی چون خویش ننگریسته‌اند. ابراهیم را در آتش افکندند، علی را خانه نشین و ابوذر را تبعیدگاه مرگ فرستادند، حسین را کشتند و زید بن علی و حلاج را بدار آویختند و عین القضات را شمع آجین نمودند! و رمق حیات از محمد نفس زکیه و نیز از سهروردی گرفتند. اینها همه به گمان محو حقیقت! در حالی که خود را به ورطه نابودی رسانیدند و نداستند، چنانکه حضرت باری فرموده:



«يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ» (حشر ۲) «خانه های خود به دست خود ویران سازند.»

اما آن دسته از عباد الله الصالحین که نداء پروردگارشان را شنیدند، به قلم جان خویش، حقیقت حقه عالم را که همانا آزادی، عدالت و تحقق دین راستین است، بر جریده عالم ثبت کردند و با ذره ذره جان خویش بر تار و پود حیات بشر دمیدند، رهایی را! خواه به زنجیر کشند ایشان را یا به صلیب! هیچ مانع یا رادعی نخواهد توانست آنان را از عمل صالح خود باز دارد! و در پایان هم اینان وارثان حقیقی فردوس برینند.

«أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مؤمنون ۱۰ و ۱۱)